

تهیدستان شهری (نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینی در کرمانشاه)

جلیل کریمی^{*۱}

وکیل احمدی^۳

بیبا حامد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

پیدایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی کرمانشاه به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد. در این پژوهش ۱۳ مورد از این سکونت‌گاه‌ها با استفاده از روش‌های اسنادی و آماری بررسی شده است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که: وسعت محلات حاشیه‌نشین از ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ حدود ۱۴ برابر افزایش یافته است؛ از نظر کالبدی در یک دهه اخیر، بهسازی صورت گرفته است؛ از نظر فرهنگی، در ترکیب زبانی، قومی و مذهبی بافت‌ها تغییری دیده نشده، موارد پیشین متراکم‌تر و باثبات‌تر شده‌اند؛ جمعیت این مناطق در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ اندکی کاهش یافته است. در مقایسه با محله‌های مرفه شهر، جمعیت کمتر از ۱۵ سال، جمعیت فعال، نرخ باسوادی مردان، جمعیت فاقد همسر و مهاجرفرستی در مناطق مسأله‌دار بیشتر است. این مناطق، در زمینه وقوع جرم از نظر آماری، بر خلاف تصور عمومی، به‌جز در مورد جرم‌های مربوط به مواد مخدر، وضع چندان نامساعدی ندارند. در موارد غیر از مواد مخدر، تصور میزان امنیت زندگی در این محلات برای ساکنان آنها با آنچه ساکنان محلات دیگر، از جمله محلات برخوردارتر و مرفه‌تر درباره آنها در سر دارند متفاوت بوده و ارزیابی ساکنان از امنیت، عموماً بالاتر است. در مجموع این مناطق را می‌توان از لحاظ وضعیت کالبدی به سه دسته تقسیم کرد: سطح ۱ (وضعیت نامناسب): دولت‌آباد، آناهیتا؛ سطح ۲ (وضعیت نگران‌کننده): شامل شاطرآباد، باغ ابریشم، حکمت‌آباد، چقاگلان؛ و سطح ۳ (وضعیت بحرانی): شامل چقاکبود، نوکان، دره‌دراز، جعفرآباد، کولی‌آباد، چمن و صادقیه. در این زمینه می‌توان پیشنهاد کرد که محله دولت‌آباد و حتی آناهیتا را از شمار بافت‌های دارای مشکلات عمیق و جدی خارج کرد.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، توسعه، حاشیه‌نشینی، جمعیت، فقر، کرمانشاه.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه رازی

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه رازی

۳- مربی گروه جامعه‌شناسی جهاد دانشگاهی کرمانشاه

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

شهرنشینی باعث ایجاد تراکم در مکان، زمان، فضا، اقتصاد یا به‌صورت کلی، به قول دورکیم «تراکم مادی و اخلاقی» می‌شود. زیستن در چنین فضای متراکمی هم برای عموم جامعه و هم برای مدیران اقتضائات خاص دارد. همگان مجبور به کسب مهارت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری‌ای هستند که بتوانند به صورت مسالمت‌آمیز با دیگران، دیگران عمدتاً غریبه، همسایگی کنند یا همشهری باشند. در دیگر سو، مدیران در این نوع از فضای اجتماعی، نیازمند برخورداری از دانش و تجربه‌ای هستند که در شرایط ماقبل شهرنشینی (سنتی و روستائین) به آن نیاز نبود. این دانش و تجربه نقشی مهم و گسترده در طراحی مادی و غیرمادی شهرها دارند. فقدان هر کدام از این دو محور، زندگی شهری را با مشکلات و مسائل جدی اخلاقی، اقتصادی و روانی روبرو می‌کند.

نشانه‌های واقعی فقدان هر دو نیازمندی فوق را می‌توان در شهر کرمانشاه دید. برای نمونه، مرکز آمار ایران در گزارش سال ۱۳۹۱ از نرخ بیکاری کشور (چند ماه قبل از شروع پژوهش حاضر)، نرخ بیکاری استان کرمانشاه را ۱۶/۲ درصد، چهار درصد بالاتر از میانگین نرخ بیکاری کشور، (۱۲/۲ درصد)، اعلام کرده است. بر این اساس، استان کرمانشاه پس از استان‌های لرستان (۲۰/۲ درصد)، ایلام (۱۷/۳ درصد) و فارس (۱۶/۸ درصد) رتبه چهارم نرخ بیکاری را بین استان‌های کشور دارد. به‌علاوه، نرخ بیکاری سال ۹۱ استان کرمانشاه نسبت به ۱۳۹۰ آن (۱۵/۷ درصد) نیم درصد افزایش یافته است. میزان درآمد، بیکاری، فقر، مهاجرت، جمعیت کولی‌ها، فقر فرهنگی، توزیع ناعادلانه اعتبارات و امکانات، تجمع خلاف‌کاران و حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی تأثیر داشته است که این موارد زمینه‌های تهدیدکننده، فرهنگی و امنیتی شهری کرمانشاه را ایجاد کرده است. ظهور قاچاق کالا، سلاح و مهمات، مواد مخدر، مشروبات الکلی، فساد و فحشا و همچنین مشاغل کاذب از جمله نمونه‌های معلول و مشهود، در این استان محسوب می‌شود (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۴). لهسایی‌زاده (۱۳۹۱) نیز بر آن است که در طول دهه اخیر، خشونت‌ها به‌طور چشمگیری در شهر کرمانشاه افزایش یافته است.

در زمینه فقر و گسترش آن، مطالعات نشان می‌دهند که بین مناطق شهر کرمانشاه نابرابری شدید وجود دارد. مقایسه آمار فقر در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که درصد فقرا (از ۱۱ درصد به ۴۳ درصد) و مرفهین (از ۹ درصد به ۲۸ درصد) افزایش یافته و قشر متوسط بسیار نحیف شده است (از ۸۰ درصد به ۲۹ درصد) (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱).

به عبارت دیگر جامعه در طی یک دهه از توزیع نسبتاً بهنجار نابرابری به وضعیتی دوقطبی و نابهنجار رسیده است. شواهدی از این دست را می‌توان در موارد دیگری مانند، اعتیاد، فقدان سرمایه اجتماعی به‌ویژه در بعد اعتماد اجتماعی و مدارای فرهنگی^۱ ارائه کرد.

شهر کرمانشاه به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر در غرب ایران، طی سه دهه گذشته گسترش فیزیکی شهری وسیعی داشته و رشد نابسامان جمعیتی موجب تشدید و تسریع روند شکل‌گیری بافت‌های حاشیه‌ای در این شهر شده است. به بیان دقیق‌تر در حال حاضر شهر کرمانشاه با بحران حاشیه‌نشینی روبه‌روست. وجود بیش از ۳۶ شهرک که اسکان در آنها نامناسب و معیارهای شهرسازی و شهرنشینی به‌ندرت در آنها قابل رؤیت است به یکی از چالش‌های اساسی پیش روی استان درآمده است.

از لحاظ تاریخی، محلات اسکان غیررسمی از دهه‌ی ۱۳۴۰ و بعد از اصلاحات ارضی شکل گرفته، در دهه‌ی ۱۳۵۰ به دلیل افزایش قیمت نفت و جاذبه‌های شهری رشد کردند. در سال‌های ۶۵-۱۳۵۷ به دلیل جنگ و مهاجرت آوارگان جنگی گسترش آن شدت یافت. در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ به دلیل تعیین محدوده شهر و فروش تراکم و بازگشت مهاجران جنگ روند توسعه افقی کند؛ اما مناطق متراکم‌تر شدند. مهم‌ترین ویژگی‌های این محله‌ها عبارت است از: رشد جمعیت بالا، زندگی در زیرخط فقر، اشتغال کاذب یا ناپایدار، بار تکفل بالا، زیربنای مسکونی پایین، مرگ و میر بالا، تراکم بالاتر، میزان آسیب‌های اجتماعی بیشتر از سایر محلات و توسعه‌نیافتگی کالبدی (آب، گاز، معابر، اماکن فرهنگی، بهداشتی، ورزشی و ...) بسیار بیشتر، حتی در قیاس با سایر مناطق شهر و نه استانداردهای ملی و بین‌المللی.

مقولات بالا هر کدام به‌تنهایی می‌تواند برای یک اجتماع شهری آسیب‌زا باشد؛ اما نکته مهم‌تر شاید این باشد که این عوامل شکلی از در هم‌پیچیدگی دارند که از منظر تاریخی، بعد از پیدایش همدیگر را تقویت کرده و می‌کنند. فرایندها و ساختارهای جمعیتی (مثل جوانی جمعیت و مهاجرت درونی و بیرونی شهر) به همراه فقدان برنامه‌ریزی جامع و نیز پدیده‌های ناخواسته‌ای چون جنگ تحمیلی و ... در نهایت به فقر و حاشیه‌نشینی منجر شده و همین دو مقوله دوباره ساختارها و فرایندهای جمعیتی را متأثر کرده‌اند و این دور معیوب کماکان

۱. طبق نتایج مطالعات آمایش سرزمینی استان کرمانشاه (۱۳۹۳)، میزان سرمایه اجتماعی و مدارای فرهنگی در سطح متوسط بوده است (برای اطلاع از جزئیات این مطالعات به گزارش‌های آمایش، موجود در دانشگاه رازی مراجعه شود).

ادامه دارد. به علاوه، در کنار این منظومه، باید سایر مسائل اجتماعی ناشی از این منظومه را هم دید که ابعاد فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد. هدف این جستار، بررسی حاشیه‌نشینی در شهر کرمانشاه از دو منظر تاریخی و جمعیت‌شناختی است. هدف خاص مبحث تاریخی، ارائه تصویری تحلیلی و علت‌کاوانه از شرایط ظهور و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی و در نتیجه آن مسأله حاشیه‌نشینی است. در این بخش، جامعه آماری، شهر کرمانشاه، در گستره تاریخی ۵۰ سال اخیر است و روش تحقیق، روش تحلیلی و کتابخانه‌ای است. از آن‌جا که یکی از مباحث تاریخی، تحولات جمعیتی است، در بخش دوم جستار به مقولات جمعیت‌شناختی، هم در گستره تاریخی موردنظر و هم در زمان حال پرداخته شده است. در این بخش جامعه آماری، شامل ۱۳ منطقه از مناطق دارای مسأله و دو مورد از مناطق برخوردار شهر کرمانشاه، به‌عنوان نمونه گواه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش پژوهش این بخش، استنادی-آماري و به‌عبارتی کمی بوده است و در آن ویژگی‌های جمعیتی دوگونه مناطق (حاشیه‌نشین و برخوردار) به‌صورت تطبیقی توصیف و تحلیل شده است. در اصل پژوهش^۱ که این مقاله از آن استخراج شده است، مشاهداتی میدانی نیز وجود دارد که به‌دلیل رعایت اجمال در جستار حاضر ارائه نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که در بخش تاریخی به تفصیل توضیح داده شده، مسأله حاشیه‌نشینی قدمتی نزدیک به نیم‌قرن دارد. اما بررسی‌های نشان می‌دهد که مطالعات پژوهشی مرتبط با این مسأله اجتماعی تنها در دو دهه اخیر از لحاظ کمی افزایش یافته است. از معدود مطالعات متقدم بر این دو دهه، می‌توان به مطالعه احسن و نیرومند در سال ۱۳۵۲، درباره حاشیه‌نشینان همدان و کرمانشاه اشاره کرد. این تأخیر در شروع مطالعات را در دهه شصت می‌توان به شرایط جنگی و عدم امکان انجام مطالعات درباره حاشیه‌نشینی نسبت داد و در دهه پنجاه علت را می‌توان در عدم گستردگی اصل مسأله حاشیه‌نشینی یافت. درست است که اساس و نقطه شروع اسکان غیررسمی و در ادامه حاشیه‌نشینی را باید در دهه‌های ۵۰ و ۴۰ شمسی باید جست، اما باید توجه داشته که در این دو دهه به‌دلیل فقدان توسعه و

۱. مقاله حاضر از یافته‌های طرحی پژوهشی استخراج شده که در سال ۱۳۹۲، با کارفرمایی جهاد دانشگاهی کرمانشاه انجام گرفته است.

شهرنشینی در کل استان و حتی کشور، حاشیه‌نشینی چندان برجسته نبود و همچنان که در تجربه سالخوردگان دیده می‌شود، فاصله فقیر و غنی کمتر بود و هنوز فاصله‌گذاری اجتماعی و جدایی‌گزینی اجتماعی و اقتصادی مشهود نبود.

به هر روی، مطالعات مرتبط با حاشیه‌نشینی در دو دهه اخیر فزونی گرفته و دست‌کم از لحاظ کمی رشد کرده است. اگرچه هنوز هم نمی‌توان گفت که این مطالعات به حد کفایت رسیده است و در کل هم با توجه به شرایط متغیر حاشیه‌نشینی، نمی‌شود حد نصابی برای آن‌ها تعیین کرد؛ بنابراین، در هر زمان، با در نظر گرفتن برخی ملاحظات، ضرورت و اهمیت انجام مطالعات پژوهشی در باب موضوع این گفتار همچنان باقی است.

مشخصات پژوهش‌هایی که پیش از این به‌صورت خاص به موضوع حاضر پرداخته‌اند، در جدول ۱ ارائه شده است. در این بخش برخی از ویژگی‌های این مطالعات به‌صورت کلی ارزیابی و در چند محور جمع‌بندی شده است:

- حاشیه‌نشینی پدیده‌ای با سابقه تاریخی حدود نیم قرن است، اما بیشتر مطالعات انجام گرفته درباره آن متأخر و همچنین از نظر کمی، اندک است.
- بیشتر این مطالعات چندان جدی و عمیق نیستند. با این حال، در بین همین پژوهش‌ها، مواردی وجود دارند که این نقصان را ندارند، اما از ویژگی دیگری رنج می‌برند؛ ضعف این دسته، عمدتاً ناشی از رویکرد آنهاست که اساساً مهندسی است. در این رهیافت‌ها، موضوع تحقیق اصولاً از منظری ابژکتیو (عینی) بررسی شده است و به ابعاد سوژکتیو و حتی ساده‌تر از آن، ابعاد اجتماعی و فرهنگی بی‌توجهی شده است. این رویکرد در حقیقت خود بخشی از همان پارادایمی است که از ابتدا، توسعه کشور و از جمله شهر کرمانشاه را بر اساس مدرنیزاسیون (توسعه عینی و از بالا) اداره کرده و پیش برده است.
- همچنین می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از مطالعات پیشین از نقصانی به نام جزئی‌نگری و بخشی‌نگری در رنجند. در این حالت از تحقیق، کلیت موضوع نادیده گرفته می‌شود و به این امر که چگونه واقعیت کنونی به شکل حاضر درآمده و چه فعالیت‌ها و فرایندهایی آن را به این‌جا رسانده‌اند، پرداخته نمی‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که این مطالعات ضعف تاریخی دارند یا به عبارت بهتر اساساً نگاه تاریخی ندارند. این در حالی است که مسأله اسکان غیررسمی یک موضوع تاریخی است و راه‌حل‌های تغییر آن نیز نیازمند نگاه تاریخمند است.

- با این‌که چند مورد از پژوهش‌ها از نظر گستردگی و عمق از اعتبار خوبی برخوردارند، می‌توان گفت که در زمینه نسبت و رابطه بین این پژوهش‌ها مشکل وجود دارد. انتظار این است که این تحقیقات حالتی انباشتی داشته و در دیالکتیک با یکدیگر، بر همدیگر بیفزایند. اتفاقی که در این موارد کمتر افتاده است. آن‌ها اگر چه در مواردی از همدیگر وام و الهام گرفته‌اند، اما این تأثیرپذیری‌ها سطحی به نظر می‌آیند.
- با توجه به نتایج این پژوهش‌ها به نظر می‌رسد مشکلات بافت‌های اسکان غیررسمی به‌رغم انجام تحقیقات متنوع و متعدد هنوز رفع نشده است. از این منظر، به نظر می‌رسد سازمان‌های مسئول نیز بیشتر به انجام پژوهش و نه به‌کارگیری نتایج آنها و برطرف کردن مشکلات توجه داشته‌اند. یا این‌که اولویت‌های عملکردی آنها در جاهای دیگر متمرکز بوده است. (پیداست که این نکته چندان به خود پژوهش‌های انجام شده مرتبط نیست و بیشتر یک نکته تحلیلی بیرون از موضوع پژوهش و به میدان عملکردی ادارات و سازمان مربوط است).

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهشی

پژوهشگر	سؤال اصلی	متغیر مستقل	روش پژوهش	جامعه آماری
ایسپا ۱۳۸۰	احساس امنیت	ندارد	پیمایش	شهر کرمانشاه
ارزشها و ... ۱۳۸۱	ارزیابی ارزش‌ها و نگرش‌ها	ندارد	پیمایش	کل کشور
مهندسان مشاور ۱۳۸۲	امکان‌سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی	ندارد	پیمایش	بافت‌های مسأله‌دار و مناطق اسکان غیررسمی
جهاد دانشگاهی ۱۳۸۴	ارزیابی اجتماعی	ندارد	پیمایش	جعفرآباد، دولت‌آباد و کولی‌آباد
ایراندوست و ... ۱۳۸۶	ارزیابی اجتماعی	ندارد	پیمایش	دولت‌آباد، چمن زین‌العابدین و سرخه‌لیژه
عالی‌پور ۱۳۸۶	توزیع فضایی سکونت‌گاه‌های غیررسمی	مهاجرت	پیمایش	دره‌دراز، شهرک آناهیتا
نیازی ۱۳۸۷	راهکارهای توانمندسازی	ندارد	پیمایش	جعفرآباد
الماسی ۱۳۸۸	تأثیر حاشیه‌نشینی بر تولید ناخالص داخلی	حاشیه‌نشینی	اسنادی	شهر کرمانشاه
رستمی و ... ۱۳۸۸	توزیع خدمات شهری	ندارد	پیمایش	شهر کرمانشاه
هزارجریبی و ... ۱۳۸۸	تأثیر حاشیه‌نشینی بر جرم	حاشیه‌نشینی	پیمایش	کارشناسان انتظامی، رؤسای کلانتری‌ها، رؤسای تجسس، پاسگاه‌های انتظامی
دل‌انگیزان ۱۳۸۹	جمعیت، اشتغال و بیکاری	ندارد	پیمایش	جعفرآباد، دولت‌آباد، کولی‌آباد و شاطرآباد
روستایی و ... ۱۳۹۱	توزیع فضایی فقر	ندارد	پیمایش	کرمانشاه
قلی‌پور و ... ۱۳۹۱	برنامه‌های توسعه و فضای شهری	شرایط اقتصادی، برنامه‌های توسعه	تاریخی، اسنادی	کرمانشاه
ابادری و ... ۱۳۹۱	برساخت فضایی شهر کرمانشاه در دوره قاجار	اقتصاد و فرهنگ دینی	تاریخی، اسنادی	کرمانشاه

تقوایی و ... ۱۳۹۱	مقایسه سرمایه اجتماعی در بافت‌های شهری	بافت‌های شهری (جدید، قدیم، غیررسمی)	پیمایش	سه محله زبباشهر، جوانشیر، جعفرآباد
لهسایی‌زاده ۱۳۹۱	رابطه محرومیت نسبی با خشونت شهری	محرومیت نسبی	پیمایش	۴ محله: جعفرآباد، شاطرآباد، دولت‌آباد، آناهیتا
نقدی ۱۳۹۲	آسیب‌شناسی اسکان غیررسمی	مهاجرت، اقتصادی، جمعیت	پیمایش	جعفرآباد
نقدی ۱۳۹۲	مسائل زنان حاشیه‌نشین و مدیریت شهری	متغیرهای جمعیتی و اقتصادی	مشاهده، مصاحبه	حاشیه‌های همدان، جعفرآباد کرمانشاه، جوانان ۲۹-۱۵ ساله
واعظ‌زاده ۱۳۹۲	تحلیل وضعیت خشونت جوانان	متغیرهای جمعیتی و فرهنگی	پیمایش	چهار منطقه الهیه، مسکن، جعفرآباد و دولت‌آباد
حامد ۱۳۹۲	زمینه‌های جلب مشارکت ساکنان مناطق اسکان غیررسمی	ندارد	مشاهده، مصاحبه	جعفرآباد و کولی‌آباد
کرمی ۱۳۹۲	تأثیر ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی بر آسیب‌های اجتماعی	ویژگی‌های فردی و اجتماعی و اقتصادی	پیمایش	دره‌دراز

۳. تحلیل تاریخی

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، منطقه کرمانشاه در دوران قاجار از شهرهای دارای ماهیت ایلی به حساب می‌آمده است. شهر بسیار کوچک و دارای تنوع فرهنگی بوده و در عین حال گروه‌های فرهنگی به‌رغم همبستگی‌های درونی، فاقد سرمایه اجتماعی لازم برای تشکیل یک جامعه بزرگ‌تر بوده‌اند. به‌رغم ماهیت ایلی کرمانشاه در دوره پیش از مدرنیزاسیون، این شهر به‌دلیل وجود راه تجاری-زیارتی کرمانشاه-بغداد از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. با شروع سلطنت قاجار، هرج‌ومرج ناشی از فقدان حکومت فراگیر در کرمانشاه رفع شد و توسعه اقتصادی را در پی داشت. این مرحله ظرفیت آن را داشت که کرمانشاه را از سوداگری و واسطه‌گری به مرحله صنعتی شدن برساند (حسامیان ۱۳۷۷ و ابن‌مع‌الوصف، ۱۳۶۲) پس از آشوب‌های دوران مشروطه، کشور و همچنین کرمانشاه در نوعی هرج‌ومرج اجتماعی فرو رفت؛ و از قضا، چنان‌که در تحلیل‌های تاریخی فراوان آمده است، این نابسامانی‌ها زمینه را برای روی کار آمدن رضاخان دارای سابقه نظامی و معتقد به دیسپلین نظامی در مدیریت

جامعه فراهم کرد و بدین ترتیب مدرنیزاسیون آمرانه پهلوی‌ها آغاز شد. سرآغاز عصر مدرنیزاسیون در ایران، دو دهه‌ی ابتدایی سده حاضر بود. اقدامات رضاشاه غالباً در راستای توسعه شهرها بود. یکی از پیامدهای این اقدام ایجاد اشتغال بیشتر در شهر کرمانشاه بود. برای نمونه، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰، ۲۰۰ کارخانه، با ۵۰ تا ۶۰ هزار کارگر تأسیس شد. کرمانشاه به بغداد، تهران، سنندج و پاوه با جاده آسفالتی وصل شد. تأسیس پالایشگاه نفت با استخدام افرادی از طوایف منطقه، یکی از عوامل افزایش جمعیت شهر شد، زیرا دولت برای کارمندان و کارگران ماهر، مسکن تهیه کرد و به کارگران ساده وام و یارانه مسکن داد. مجتمع پالایشگاه نمونه بارز این اقدامات است؛ این شرکت، همچنین برای تحصیل فرزندان کارکنان خود مدارس تأسیس کرد (کلارک‌ها، ۱۹۶۹: ۶۶). عامل دیگر اسکان اجباری عشایر بود که موجب تحصیل فرزندان آنها در کرمانشاه و اسکان عشایر به‌دنبال آن شد. عامل سوم، آغاز سربازگیری اجباری از سال ۱۳۰۴ بود. این قانون از دو طریق بر شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر تأثیر گذاشت. اول، با تأسیس سربازخانه‌های متعددی که در توسعه فضای شهر نقش داشتند و دوم، با عدم بازگشت تعداد زیادی از روستاییان جوانی که به‌واسطه سربازی با فرهنگ شهری آشنا شده بودند و زندگی خود را در شهر ادامه دادند. در این دوره، این عوامل موجب رشد جمعیت شهر و به پی آن تولید حاشیه‌نشینی در شهر شدند؛ بنابراین، رشد ابتدایی جمعیت کرمانشاه نه به‌دلیل رشد مولید و ...، بلکه به‌دلیل مهاجرت از اطراف و اکناف شهر بود.

افزایش جمعیت تأثیر خود بر حجم و اندازه کالبد شهر را نشان داد. دولت رضاخان برای دگرگونی شهر ایرانی ایده‌های شهرسازی فرانسوی را اجرا کرد که در آن تلاش می‌شد با احداث خیابان بافت‌های کهن را تخریب کنند. «قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها» در سال ۱۳۱۲ هجری-شمسی، دسترسی به درون بافت‌های کهن را ممکن ساخت. در شهر خیابان‌های صلیب‌گونه متعددی ساخته شد که با از هم گسلاندن شهر، سازمان اجتماعی محله را از بین بردند. یکی دیگر از اهداف این طراحی شهری تسهیل فضای تجارت بود. در نتیجه، خیابان‌های دارای مغازه‌های لوکس، ویتترین‌دار و متحدالشکل سپه (مدرس) کاربری تجاری پیدا کرد و به‌عنوان فضایی مدرن در برابر بازار سنتی کرمانشاه قد علم کرد. به‌عبارتی، شهر با خواست گردش سرمایه و کالا هماهنگ شد. در این مغازه‌ها کالاهای غربی، به‌عنوان رقیب کالاها و تولیدات بومی، به وفور در دسترس بود. به‌تدریج بازار سنتی از رونق افتاد. کمی بعدتر، عبور و مرور اتومبیل و افزایش سریع حمل‌ونقل در این خیابان، چهره سنتی

شهر را بیش از پیش دگرگون ساخت (زهره‌وندی، ۱۳۸۶؛ سلطانی، ۱۳۷۱).

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، تغییرات فضایی و شهرنشینی در کرمانشاه همچون دوره‌های قبل کاملاً متأثر از شرایط داخلی ایران بود. ویژگی مهم این دوره شروع جنگ جهانی دوم و سقوط دولت رضاخان و به‌دنبال آن توقف فرایند مدرنیزاسیون است. در سال ۱۳۲۰، بودجه دولت به ۱۰ میلیارد ریال، یعنی ۶/۸ میلیارد کمتر از بودجه دو سال پیش، کاهش یافت (حسامیان، ۱۳۷۷: ۳۰). ضعف دولت مرکزی و رکود اقتصادی، علاوه بر کند کردن روند مدرنیزاسیون و مشکلاتی که برای صادرات کشاورزی به‌وجود آورد، سبب فعال‌شدن شکاف‌های قومی در ایران شد و جنبش‌هایی در کردستان و آذربایجان به راه افتاد. کرمانشاه نیز از این رخدادها در امان نماند و دچار بی‌نظمی‌های متعددی شد. این سال‌ها به‌عنوان سال‌های قحطی یاد می‌شود. علاوه بر رکود اقتصادی داخلی، تجارت خارجی نیز به‌خاطر جنگ جهانی دوم دچار رکود شد. عوامل یاد شده سبب شد که رابطه سازمان یافته شهر و روستا دچار گسیختگی شود و مزاد اقتصادی روستا به شهرها نرسد. در اواخر این دوره تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آرامش نسبی حاکم شد و با سرکارآمدن دولت مصدق، برنامه عمرانی اول (۳۴-۱۳۲۷) تدوین شد (مشهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۷۱). یکی از مؤلفه‌های مهم این برنامه اصلاحات عمرانی و شهری بود و با اجرای آن، باز هم بر جاذبه‌های شهری افزوده شد و نطفه‌های مهاجرت روستا به شهر در همین سال‌ها بسته شد.

دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ دوران شکوفایی شهرها و شهرنشینی بود. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دولت مصدق با یک کودتای نظامی سقوط کرد و پس از آن شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران دگرگون شد. درآمد سرشار نفت موجب آغاز از سرگیری اصلاحات اقتصادی-اجتماعی شد. دولت، باز هم روند مدرنیزاسیون را حتی شتاب بیشتر از سر گرفت و تلاش کرد زیرساخت‌های اقتصادی و دستگاه دیوان‌سالاری را گسترش و سرمایه‌گذاری صنعتی را افزایش دهد و جهت پیشبرد این اهداف چند برنامه عمرانی هفت ساله را تعریف کرد. مهم‌ترین تفاوت این دوره با دوره قبل اتکای دولت بر درآمدهای سرشار نفتی بود.

در مجموع، از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵، کرمانشاه از طرح‌های زیرساختی به‌ویژه جاده‌های بین‌استانی و درون‌استانی بهره برد، اما در حوزه صنعت سرمایه‌گذاری چندانی صورت نگرفت. رشد اندکی در ارتباط با صنایع کشاورزی صورت گرفت. علاوه بر کمبود سرمایه‌گذاری دولت در بخش صنعت، سرمایه‌گذاری خصوصی نیز در این بخش بسیار محدود بود. مع‌الوصف، این فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها چند ویژگی اساسی داشت: نامتوازن

بود و بیشتر به خدمات شهری و کمتر به بخش صنعت و کشاورزی توجه داشت. سیاست دروازه باز، بخش کشاورزی را که توان رقابت با رقبای خارجی را نداشت، تضعیف کرد و بسیاری از صنعتگران باسابقه را بیکار کرد؛ می‌توان گفت شهر و روستا و حتی کل کشور به نوعی به بازار کالاهای غربی بدل شد.

این اقدامات سبب شد که شهر کرمانشاه از رونق و جاذبه‌های زیادی برخوردار شود، روستا موقعیت تولیدی قبلی خود را از دست بدهد و چشم به تغییرات شهری بدوزد. شیوه تولید قبلی روستا دچار رکود شد و ارتباط ارگانیک‌اش با شهر در معرض گسستن کامل بود. از سوی دیگر، به‌خاطر گسترش امکانات بهداشتی، جمعیت روستایی زیاد شد. افزایش جمعیت روستا موجب بیشتر شدن نسبت افراد به مساحت زمین زیر کشت می‌شد. بسیاری از روستاییان شیوه تولید روستایی و سنتی جدا شدند. زمینه‌های سرمایه‌گذاری در شهر بیشتر و به‌تدریج به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی تبدیل شد؛ و چون رابطه کالایی و بر مبنای پول بود، دستمزد مشاغل شهری بیشتر بود، از این رو بر مهاجرت روستائیان به شهر افزوده می‌شد. در نتیجه از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، ۶۲۴۹۱ نفر به جمعیت کرمانشاه اضافه شد. جابه‌جایی جمعیتی مذکور دارای تأثیرات فضایی مهمی بود و توانست در ریخت‌شناسی شهر تغییرات گسترده‌ای به‌وجود آورد.

از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۴ تغییرات متعدد دیگری در رشد و توسعه شهر و شبکه خیابان‌های آن ایجاد شد. این تحولات، قیمت مسکن و زمین را در نقاط مختلف دگرگون کرد. ثروتمندان شهر مطلوب‌ترین بخش‌های فضا، بخش جنوبی شهر (از میدان شهرداری سابق به طرف فردوسی) را تصاحب کردند و با بالا بردن قیمت املاک و مستغلات اجازه ندادند که اقشار کم‌درآمد در این محلات حضور یابند. قشرهای اجتماعی پایین‌تر به ناچار در قسمت‌های شمالی شهر نظیر رشیدی، وکیل‌آقا، برزه‌دماغ، فیض‌آباد و اطراف میدان شاهپور (آزادی) که قیمت ملک در آن ارزان‌تر و فاقد تأسیسات زیربنایی بود سکونت یافتند (کلارک‌ها، ۵۳). بدین ترتیب شهر قدیم که زمانی محل زندگی اعیان و فقرا در کنار هم بود، این بار از حضور ثروتمندان خالی و محل مناسبی برای تهیدستان شهری شد و شبکه‌های اجتماعی بافت‌های سنتی و نظام همسایگی از هم گسیخته شد.

از نظر فرهنگی، با طرد فقرای شهری و مهاجران و سکونت آنها در نیمه شمالی که فاقد امکانات و زیرساخت‌های شهری بود و تمرکز ثروتمندان و متمولین در نیمه جنوبی دارای بیشترین امکانات رفاهی و برخوردار از زیرساخت‌های شهری، زمینه‌های شکل‌گیری تقابل

(فقیر، سنتی) / (ثروتمند، مدرن) به وجود آمد. منطقه جنوب شهر هر روز از امکانات و تخصیص منابع بیشتری برخوردار می‌شد و قسمت شمال به منطقه فقرا مهاجران روستایی تبدیل می‌شد (قلی‌پور، ۱۳۹۰). مجموع این شرایط فضای اجتماعی شهر را به سمتی برد که چندان عادلانه نبود و نطفه‌های نابرابری و تراژدی حاشیه‌نشینی را در بطن خویش پرورش داد.

اسکان غیررسمی، به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، از اواسط دهه ۱۳۴۰، ظهور کرد. اصلاحات ارضی از سال ۱۳۴۱ شروع و در طی سه مرحله در سال ۱۳۵۱ به پایان رسید. تأثیرات این پدیده به مرور زمان از طریق مهاجرت روستائیان به شهر در اواخر دهه ۴۰ بروز کرد. این اصلاحات دو پیامد مهم برای روستائیان داشت: نخست، نیروی انسانی از شیوه تولید سنتی رها شده و این موجب افزایش تعداد افراد جویای کار و در نتیجه نرخ بیکاری شد؛ دوم، روابط سرمایه‌دارانه در روستا بسط پیدا کرد. اقتصاد پولی، نظام سهم‌بری و نسق‌داری را از بین برد و به‌جای آن سیستم اجاره‌داری، فروش نیروی کار و فروش محصول را جایگزین ساخت و با این کار امکان خرید انواع کالاها ممکن و بازار مصرف رواج پیدا کرد (اعتماد، ۱۳۷۷؛ و جلیلی ۱۳۵۴). به بیان دیگر، سامان تولیدی سنتی از هم پاشید و البته ساختار تولیدی دیگری جایگزین آن نشد. با از دست رفتن جاذبه‌های اقتصادی روستا، بعضی از اقشار روستایی نظیر خوش‌نشینان دلیلی برای ماندن در روستا نداشتند.

در کنار عدم جذابیت روستا، دولت برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) را در شهر آغاز کرده بود که از محل درآمدهای نفت اجرا می‌شد. از مشکلات عمده طرح، اختلاف فاحش درآمد میان روستائیان و شهری‌ها بود. این بار کرمانشاه هم جز طرح جامع قرار گرفت و فعالیت‌های خدماتی و عمرانی زیادی در این سال‌ها انجام گرفت؛ اما توزیع امکانات بین سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ ناعادلانه بود. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها در بخش جنوبی شهر و یا دشت قره‌سو، با فاصله زیاد از بخش شمالی شهر، صورت گرفت و بخش شمالی به خاطر عدم سرمایه‌گذاری و فعالیت عمرانی در دهه چهل به حال خود رها شد. در اواخر دهه ۵۰ بسیاری از ادارات نظیر دانشگاه رازی، اداره مسکن و شهرسازی، بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی و چندین اداره دیگر به بهانه شلوغی به دشت قره‌سو به‌ویژه در شهرک ۶ بهمن (۲۲ بهمن) انتقال یافتند. چندین بانک نیز در این شهرک پا گرفتند (سلطانی، ۱۳۷۱). به تدریج، این شهرک به یک مرکز در برابر بافت کهن قد علم کرد و قیمت املاک و مستغلات آن روزبه‌روز زیادتر شد.

مهاجرت‌های این دوره تأثیر زیادی بر ساختار جمعیتی کرمانشاه داشت. جمعیت ۱۸۷۹۳۰ نفری سال ۱۳۴۵ به ۲۹۰۶۰۰ نفر در ۱۳۵۵ تغییر کرد؛ یعنی ۱۰۲۶۷۰ نفر (هر سال تقریباً ده هزار نفر) به جمعیت شهر اضافه شد و میزان رشد جمعیت برابر ۴/۱ بود. این میزان بیانگر جابه‌جایی جمعیتی بسیار بزرگی در شهر بود که تأثیرات فضایی گسترده‌ای را هم در شهر کرمانشاه ایجاد کرد. طبق طرح جامع (مشاور مرجان، ۱۳۵۲)، در طول سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ افزایش جمعیت سبب شکل‌گیری سه نوع پویش شهری شد: رشد طبیعی شهر، شهرک‌سازی و حاشیه‌نشینی.

شهرک‌های کرمانشاه مبتنی بر طرح جامع ۱۳۵۲ و در محدوده شهر ساخته شدند؛ اما مهاجرت روزافزون روستائیان اطراف کرمانشاه سبب شد بسیاری از افراد به طرق مختلف (تصرف عدوانی، تصرف خزنده و باز تقسیم زمین) به تولید فضا در خارج از محدوده قانونی بپردازند؛ آن‌ها زمین‌هایی را برای سکونت اختیار کردند که جزو املاک وقفی و منابع ملی بودند. از آن‌جا که هدف برنامه پنجم در تهیه مسکن برای مردم پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه به تهران بود، بی‌توجه به اشتغال و تولید دست به ساختن شهرک‌های متفاوت زد. از این جمله، شهرک‌های ۲۲ بهمن (۶ بهمن)، آبادانی و مسکن و آناهیتا بودند که در طرح جامع کشور در شهر کرمانشاه قرار گرفتند. جمعیت شهر در سال ۱۳۵۰، ۲۳۰۰۰۰ بود و یک درصد آن (۲۵۵۸ نفر) شامل ۵۸۲ خانوار در محلات جعفرآباد، شاطرآباد، راسته توپخانه، دولت‌آباد و ده‌مجنون (چمن زین‌العابدین فعلی) حاشیه‌نشین بودند؛ اما حاشیه‌نشینان به سرعت در حال رشد بودند. در سال ۱۳۵۲ سطح مناطق حاشیه‌ای ۸۳ هکتار و جمعیت آنان ۲۷۰۰۰ نفر بودند (مشاور مرجان، ۱۳۵۲؛ در قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

بنابراین می‌توان گفت، وضعیت تهیدستان دهه ۴۰ و ۵۰، پیامد برنامه‌ریزی‌های نابرابر ناشی از مدرنیزاسیون حکومت پهلوی بود و خودشان هم اغلب اصالت روستایی داشتند (احسن و نیرومند، ۱۳۵۲: ۲۱). تأثیر عامل اقتصادی در حاشیه‌نشینی کرمانشاه مشهود است؛ کرمانشاه، ظرفیت اقتصادی جذب این نیروهای انسانی را نداشت (قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۳). در نتیجه، حاشیه‌نشینان فاقد امتیاز، راه‌های مختلفی را برای برخورداری از امکانات (آب، برق، سیستم فاضلاب، مدرسه و مراکز بهداشتی) در پیش گرفتند. تصرف عدوانی که با مقاومت شهرداری و نیروهای نظامی روبه‌رو شد، سرانجام در ۲۰ شهریور ۱۳۵۷ برای نخستین بار رسماً قانونی اعلام شد (بیات به نقل از قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

این حاشیه‌نشینی ناگزیر، طرد فرهنگی در زبان و سبک زندگی را نیز در پی داشت. آداب معاشرت، شیوه رفتار، آداب و رسوم سکنه شهر قدیم نسبت به حاشیه‌نشینان برتر دانسته

شد. زبان فرودستان سورانی (مردم کرمانشاه به اشتباه به آن جافی می‌گویند) و لکی و زبان معیار زبان کرمانشاهی بود. بدین قرار «ما» در برابر «دیگران» قرار گرفتند. حاشیه‌نشینان اصرار داشتند که خود را کرمانشاهی جلوه دهند، اما مرکز‌نشینان نمی‌پذیرفت و این اصرار و انکار موجب تحقیر و خودکم‌بینی آنها شد. سکنه قدیمی شهر مهمانان جدید را به‌عنوان همشهری نمی‌پذیرفتند. آنها را باعث و بانی نابسامانی شهر خویش می‌دانستند. فرودستان از موقعیت و جایگاه خویش آگاه شدند و به‌عنوان یک قشر اجتماعی در برابر سکنه قدیمی متحد شدند؛ و خیم‌ترین شکل طرد در میان مهاجرین روستایی بود. آن‌ها به‌طور همزمان در سه بعد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی طرد شدند (قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۶-۱۷۵).

توسعه چشمگیر و نامتوازن شهر کرمانشاه طی این چند دهه‌ی گذشته و رشد نابسامان جمعیتی موجب تشدید و تسریع روند شکل‌گیری بافت‌های حاشیه‌ای که امروز در دل شهر جای گرفته‌اند، شده است؛ پس از انقلاب اسلامی نیز این روند متوقف نشد و بر ابعاد و عمق آن افزوده شده است.

در سال ۱۳۵۰، از کل جمعیت (۲۳۰۰۰۰ نفر) کمی بیش از یک درصد آن حاشیه‌نشین بودند؛ اما جمعیت حاشیه‌نشینان به سرعت در حال رشد بود. در سال ۱۳۵۲ سطح مناطق حاشیه‌ای ۸۳ هکتار و جمعیت آن ۲۷۰۰۰ نفر بود (مشاور مرجان). در ۱۳۶۱ محدوده‌ای قانونی برای شهر تعیین شد، اما باز هم در سال‌های ۶۵-۱۳۵۷ به‌دلیل جنگ و مهاجرت آوارگان جنگی گسترش آن شدت یافت. در فاصله ۷۵-۱۳۶۵ به‌دلیل تعیین محدوده شهر و فروش تراکم و بازگشت مهاجرین جنگی روند توسعه افقی گُند اما مناطق متراکم‌تر شدند. در دهه ۱۳۸۰، در طرح تجدیدنظر محدوده قانون شهر، محدوده قانونی همان چیزی تعیین شد که در سال ۱۳۶۱ تأیید شده و تغییر چندانی نکرد (عالی‌پور، ۱۳۸۶: ۸۸).

امروز براساس مطالعات قبلی، بیش از ۳۶ بافت مسأله‌دار، یعنی مناطقی که استانداردهای شهرسازی و شهرنشینی بسیار کم در آنها قابل رؤیت است، در شهر کرمانشاه وجود دارد. در این بافت‌های مسئله‌دار انواع مسائل عینی و ذهنی با کمیت و کیفیت بالا و نگران‌کننده وجود دارند؛ اما شاید سه عنصر فقدان امکانات کالبدی، فقر اقتصادی و فرهنگی و تراکم جمعیتی بالا، مهم‌ترین مشکلات عینی باشند که از منظر تاریخی، بعد از پیدایش همدیگر را تقویت کرده و می‌کنند. فرایندها و ساختارهای جمعیتی (مثل جوانی جمعیت و مهاجرت درونی و بیرونی شهر) به همراه فقدان برنامه‌ریزی جامع و نیز پدیده‌های ناخواسته‌ای چون جنگ با عراق و ... در نهایت به فقر و حاشیه‌نشینی منجر شده و همین دو مقوله دوباره ساختارها و فرایندهای جمعیتی را متأثر کرده‌اند و این دور باطل کماکان ادامه دارد. به‌علاوه،

در کنار این منظومه، باید سایر مسائل اجتماعی ناشی از آن را هم دید که ابعاد فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد. این وضعیت چنان گسترده و عمیق است که حتی با قطعیت نمی‌توان ادعا کرد که آیا مناطق مسأله‌دار ملاک و ویژگی بارز و اصلی شهر هستند یا بافت‌های متعارف و استاندارد با طبقه متوسط و بالای جامعه. چنان‌که حتی از نگاه بیرونی، یعنی از نگاه ناظر غیرساکن، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جنوب شهری‌ها (فقر و حاشیه‌نشینان) در توصیف اجتماعی این شهر دست بالا دارد.

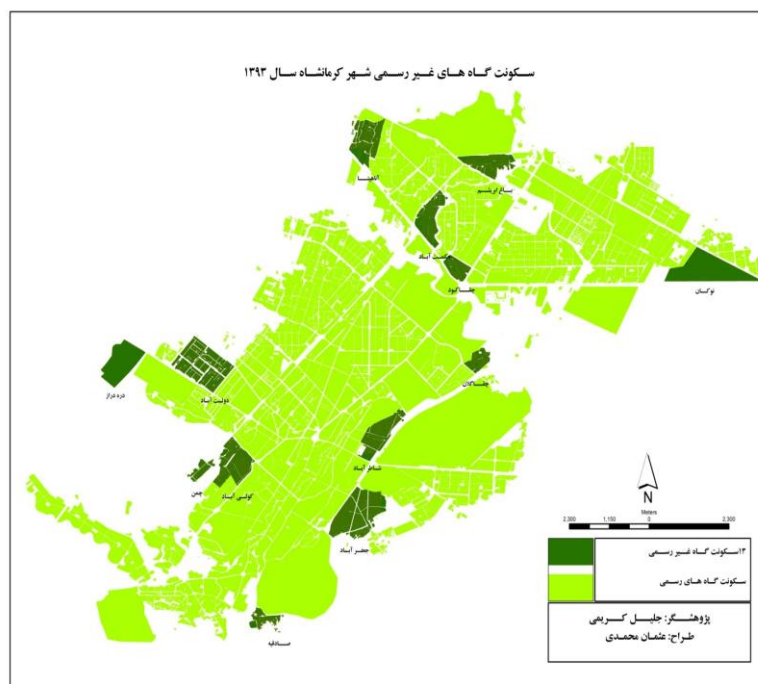
طبق مطالعات قبلی، ۳۶ بافت مسأله‌دار در شهر کرمانشاه شناسایی شده است (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲). و ۱۳ مورد از آنها به‌عنوان مناطق اسکان غیررسمی معرفی شده‌اند. این ۱۳ منطقه عبارتند از کولی‌آباد، شاطرآباد، دولت‌آباد، جعفرآباد، صادقیه (کچل‌آباد)، چقاگلان، چقاکبود، باغ ابریشم، حکمت‌آباد، آنهیتا، نوکان، دره‌دراز، چمن زین‌العابدین. طبق جدول ۱، مساحت این ۱۳ محله تقریباً ۱۱۶۳ هکتار است که در مقایسه با مساحت کل شهر کرمانشاه (۹۵۶۸/۶ هکتار) در حدود یک هشتم است و اگر ۲۳ بافت دیگر را اضافه کنیم، بسیار بیشتر خواهد شد. همچنین مقایسه این آمار (سال ۱۳۹۰) با یک دهه قبل نشان از رشد مساحت این مناطق دارد.

جدول ۲: فهرست، موقعیت و مساحت ۱۳ سکونت‌گاه غیررسمی (۱۳۹۰)

ردیف	اسم	موقعیت	قدمت	نوع بافت	مقیاس	مساحت (هکتار)
۱	آنهیتا	شمال غرب	+۱۳۵۰	نیمه شهری	ناحیه	۴۸/۵۴
۲	باغ ابریشم	شمال غرب	-۱۳۴۰	روستا	محله	۳۴/۲۴
۳	حکمت‌آباد	شمال-مرکزی	-۱۳۴۰	روستا	محله	۴۰
۴	چقاکبود	شمال-مرکزی	-۱۳۴۰	روستا	محله	۲۲/۳
۵	نوکان	شمال شرق	+۱۳۴۰	روستا	ناحیه	۷۰/۵۶
۶	جعفرآباد	شرق	+۱۳۴۰	روستا	محله	۱۲۱
۷	چقاگلان	شرق	-۱۳۴۰	روستا	محله	۱۸/۵۲
۸	شاطرآباد	شرق-مرکزی	+۱۳۴۰	نیمه شهری	ناحیه	۱۲۹/۵
۹	صادقیه	جنوب	+۱۳۶۰	نیمه شهری	محله	۱۷/۸
۱۰	کولی‌آباد	غرب	+۱۳۴۰	نیمه روستایی	ناحیه	۷۰/۸۳
۱۱	چمن‌زین‌العابدین	غرب	+۱۳۶۰	روستایی	محله	۲۷/۵۶
۱۲	دولت‌آباد	غرب	+۱۳۴۰	نیمه شهری	ناحیه	۱۱۲/۷۶
۱۳	دره‌دراز	غرب	+۱۳۵۰	روستا	محله	۱۲/۵۳
	جمع					۱۱۶۳

منبع: (اطلس محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه، سازمان بهزیستی، ۱۳۹۰، به نقل از کرمی ۱۳۹۲: ۱۷)

- در مقام نتیجه‌گیری از این بخش تاریخی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- از نظر وسعت در طول ۵ دهه (۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰) بر وسعت محلات حاشیه‌نشین افزوده شده است. در سال ۱۳۵۲ سطح مناطق حاشیه‌ای ۸۳ هکتار و در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۶۱ هکتار رسیده است. بیشترین مساحت از آن شاطرآباد ۱۳۰، دولت‌آباد ۱۱۳ و کولی‌آباد ۷۱ هکتار بوده و کمترین مساحت به دره‌دراز ۱۳، صادقیه ۱۸ و چقاگلان ۲۲ هکتار تعلق داشته است.
 - از نظر کالبدی و امکانات (آب، برق، گاز و...) در یک دهه اخیر، بهسازی صورت گرفته است. در این مدت به‌ویژه از نظر بهسازی معابر تغییرات خوبی صورت گرفته است. با این حال این تغییرات سطحی است و در آینده احتمالاً نیازمند برنامه‌ریزی جامع و بنیادی است. در مجموع این مناطق را می‌توان از لحاظ وضعیت کالبدی به سه دسته تقسیم کرد: سطح ۱ (وضعیت نامناسب): دولت‌آباد، آناهیتا؛ سطح ۲ (وضعیت نگران‌کننده): شامل شاطرآباد باغ ابریشم، حکمت‌آباد، چقاگلان؛ سطح ۳ (وضعیت بحرانی): شامل چقاکبود، نوکان، دره‌دراز، جعفرآباد، کولی‌آباد، چمن و صادقیه.



نقشه ۱: سکونت‌گاه مسأله‌دار در شهر کرمانشاه

- از نظر فرهنگی، تغییری در ترکیب زبانی، قومی و مذهبی بافت‌ها صورت نگرفته و حتی موارد پیشین متراکم‌تر و باثبات‌تر شده‌اند. به‌طور منطقی می‌توان گفت که ساختار و وضعیت اجتماعی نیز پیچیده‌تر و بغرنج‌تر شده است. آمار و اطلاعاتی که درباره برخی آسیب‌های اجتماعی در این مناطق هست، از جمله نتایج این تغییر در میزان تراکم و پیچیدگی است.
- از منظر جمعیت‌شناختی، در فاصله ۵ سال (۹۰-۱۳۸۵) شمار جمعیت مناطق آناهیتا، باغ ابریشم، نوکان، صادقیه و دره‌دراز افزایش یافته و جمعیت ۸ محله دیگر کاهش یافته است. بیشترین افزایش جمعیت در باغ ابریشم (۲۴۴۶ نفر) و بیشترین کاهش جمعیت در جعفرآباد (۷۰۹۲) اتفاق افتاده است. در این زمینه می‌توان به ویژگی مشترک سه منطقه دره‌دراز، صادقیه و نوکان اشاره کرد که همه روستاهایی بوده‌اند که به شهر ملحق شده‌اند؛ به عبارت دیگر مناطق نزدیک‌تر به شهر عموماً کاهش جمعیت داشته‌اند و می‌توان آن را به مهاجرت و ویژگی‌ها و محدودیت‌های توپوگرافیک نسبت داد (که در بند زیر تشریح شده است). از نظر تعداد خانوارها در این پنج سال تعداد ۲۷۸۵ خانوار به خانوارهای این مناطق اضافه شده است.
- جمعیت مناطق حاشیه‌نشین ۱۳ گانه در ۱۳۸۵، ۲۴۴۲۲۵ نفر بوده و در ۱۳۹۰ به ۲۲۸۷۶۲ نفر رسیده است. در باب کاهش جمعیت در فاصله ۸۵ تا ۹۰، با توجه به این که تعداد خانوارها هم اضافه شده اما جمعیت افزایش نیافته است، می‌توان به عواملی مانند کاهش رشد جمعیت، کاهش مهاجرت از شهرها و روستاهای اطراف به این محلات، و مهم‌تر از همه افزایش میزان مهاجرت‌فرستی این محلات به سایر محلات نسبتاً برخوردار اشاره کرد. در این محلات به‌ویژه محلاتی که کاملاً داخل شهر هستند و لبه‌های آن‌ها محدودیت طبیعی (کوه، رودخانه) یا مصنوعی (جاده و بلوار) دارد (مانند مناطق حکمت‌آباد، چقاکیبود، چقاگلان، چمن، دولت‌آباد، جعفرآباد، شاطرآباد و کولی‌آباد)، امکان توسعه افقی وجود نداشته و همزمان قوانین شهرداری و شرایط محله نیز اجازه توسعه عمودی را به آن‌ها نداده است. در این شرایط خانوارهایی که سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی آنها افزایش پیدا کرده است، به محلات همجوار، اما برخوردارتر مهاجرت کرده‌اند. یادآوری می‌شود که یکی از چالش‌های استان کرمانشاه کاهش سهم جمعیتی آن از کل جمعیت کشور است که ناشی از مهاجرت‌فرستی استان است. در فاصله

سال ۸۵ تا ۹۰ جمعیت کرمانشاه از ۷۸۹۸۱۴ به ۸۵۱۴۰۵ رسیده است که بیانگر تنها ۶۱۵۸۱ نفر افزایش است. به علاوه، در تمامی مناطق میانگین بُعد خانوار در سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۵ کاهش یافته است که دلیل اصلی آن کاهش باروری در دو دهه‌ی اخیر بوده است.

جدول ۳: تحولات جمعیتی در مناطق ۱۳ گانه (۱۳۸۵-۱۳۹۰)

ردیف	منطقه	جمعیت		خانوار		بعد خانوار	
		۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۱	آناهیتا	۱۰۰۶۱	۱۰۰۷۵	۲۴۰۵	۲۷۳۰	۴/۱۸	۳/۶۹
۲	باغ ابریشم	۱۱۲۹۰	۱۳۷۳۶	۲۹۲۶	۳۳۵۴	۳/۸۶	۴
۳	حکمت‌آباد	۱۰۸۶۸	۱۰۲۸۹	۲۶۰۴	۲۶۶۱	۴/۱۷	۳/۸۲
۴	چقاکیود	۵۹۴۰	۵۵۴۱	۱۴۴۳	۱۵۲۴	۴/۱۲	۳/۶۴
۵	نوکان	۱۰۳۷۷	۱۳۷۴۰	۲۵۶۳	۳۸۴۱	۴/۰۵	۳/۵
۶	چقاگلان	۵۹۷۸	۵۶۶۳	۱۴۹۷	۱۶۷۴	۴	۳/۳۸
۷	شاطرآباد	۳۹۵۴۱	۳۵۰۳۸	۱۰۱۷۳	۹۸۹۳	۳/۸۹	۳/۵۴
۸	جعفرآباد	۵۲۸۴۳	۴۵۷۵۱	۱۲۰۷۲	۱۱۹۶۲	۴/۳۸	۳/۸۲
۹	صادقیه	۴۱۶۸	۵۴۷۹	۱۰۷۶	۱۲۹۹	۳/۸۷	۴/۲۱
۱۰	چمن زین‌العابدین	۵۲۱۶	۳۸۹۳	۱۲۰۶	۱۰۱۰	۴/۳۲	۳/۸۵
۱۱	کولی‌آباد	۴۳۶۸۴	۳۹۰۱۱	۱۰۵۵۱	۱۰۹۷۸	۴/۱۴	۳/۵
۱۲	دولت‌آباد	۳۶۸۳۰	۳۲۷۵۳	۸۲۹۸	۸۲۳۴	۴/۴۴	۳/۹۷
۱۳	دره‌دراز	۷۴۲۹	۷۸۱۱	۱۵۷۲	۲۰۰۳	۴/۳	۳/۹
	جمع	۲۴۴۲۲۵	۲۲۸۷۶۲	۵۸۳۷۸	۶۱۱۶۳	۴/۱۸	۳/۷۴

منبع: داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، استانداری کرمانشاه

۴- تحلیل جمعیت‌شناختی

دلایل اصلی سکونت غیررسمی در دو دهه ۴۰ و ۵۰ در بخش تحلیل تاریخی ارائه شد که مهم‌ترین آنها رشد جمعیت، توسعه نامتوازن شهر و روستا و مهاجرت روستائی‌ها به شهر به همراه فرایند تفکیک اجتماعی در شهر و افزایش نابرابری اجتماعی بود. اما پس از سال ۱۳۶۵ رشد جمعیتی شهر حتی از متوسط کشور نیز کمتر بوده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ عامل سکونت غیررسمی، رشد جمعیتی مهاجرت روستائی- عشایری مخصوصاً پس از جنگ

۱. این دو عدد جمعیت مربوط به ۹۷ محله است که اساس آمارگیری سال ۱۳۸۵ بوده است. در آمارگیری ۱۳۹۰ سه روستای نوکان، دره‌دراز و کرناچی به آمار شهر کرمانشاه اضافه شده است. با احتساب این سه محله جمعیت کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ برابر است با ۸۸۸۴۶۵؛ و در سال ۱۳۸۵، ۸۱۲۴۵۳ نفر؛ یعنی جمعیت کرمانشاه ۷۵۷۱۲ نفر افزایش یافته است.

تحمیلی بوده است و مهاجرت آوارگان جنگی منطقه غرب را به کرمانشاه بیش از پیش کرده بود. به‌ویژه می‌توانیم به سیل مهاجرت شهرهای مرزی چون قصرشیرین و نفت‌شهر به شهرک آناهیتا اشاره کرد.

به‌طورکلی، درصد جمعیت کمتر از ۱۴ ساله در مناطق اسکان غیررسمی بیش از مناطق مرکزی و مرفه (همچون کسری و ۲۲ بهمن) است. این امر بیانگر تفاوت باروری این دو گروه و همچنین ساختار پیرتر جمعیت در مناطق مرفه است. در حقیقت می‌توان گفت که این بافت‌های غیررسمی ناخواسته در جهت سیاست‌های جمعیتی متأخر هستند که هدف اصلی آن افزایش جمعیت است. در هر صورت، حال که چنین جمعیت جوانی وجود دارد و این جمعیت هنوز پشتش از رفاه طبقه متوسط باد نخورده و میل و توان کارکردن و اشتغال دارد، می‌توان به آن به مثابه ظرفیت و فرصت نگاه کرد.

شاخص میزان مولید در این مناطق (جعفرآباد و چقاگلان با ۱۷/۵ در هزار و چمن زین‌العابدین با ۱۷/۳ در هزار بیشترین، آناهیتا با ۱۱/۴ در هزار و چقاکبود با ۱۱/۷ در هزار کمترین میزان خام مولید) از میزان خام مولید مناطق کسری و ۲۲ بهمن بیشتر بوده است. تفاوت میزان مولید بیش از این‌که پیامد تفاوت واقعی باروری باشد، ناشی از تفاوت نسلی باروری است؛ بدین معنا که جمعیت ساکن در کسری و ۲۲ بهمن، بیشتر آنهایی هستند که دوران فرزندآوری را گذرانده‌اند و در دهه ۵۰ و ۶۰ زندگی هستند؛ اما جمعیت مناطق حاشیه‌نشین جوان‌تر و بیشتر در سنین تشکیل خانواده و فرزندآوری هستند بنابراین تعداد مولید مناطق کسری و ۲۲ بهمن نسبت به مناطق حاشیه‌نشین کمتر است. این امر به ما گوشزد می‌کند که سیاست افزایشی جمعیت را باید با احتیاط و به‌صورت هدفمند اجرا کرد؛ در غیر این صورت ممکن است در نهایت به افزایش جمعیت قشرهای پایین جامعه بیانجامد که اصولاً فی‌نفسه نمی‌تواند نافع به حال فرایند توسعه پایدار باشد.

در راستای جوانی جمعیت در مناطق اسکان غیررسمی، درصد جمعیت فعال این مناطق بیشتر از مناطق مرفه (مانند کسری و ۲۲ بهمن) است. ضروری است که برای این جمعیت فعال زمینه اشتغال قانونی فراهم آید؛ به احتمال زیاد این گروه چندان هم در پی شغل‌های با درآمد و اعتبار بالا نیستند و به‌راحتی می‌توان در شغل‌های ساده و بی‌نیاز از مهارت و تحصیلات بالا آنها را به‌کار گمارد. طبیعی است که بیکارماندن جمعیت فعال، مایل و نیازمند به‌کار و اشتغال پیامدهای زیان‌بارتری دارد تا جمعیت فعالی که به هر صورت میل یا نیاز به کار درآمدزا ندارد.

در تمام سکونت‌گاه‌های غیررسمی، درصد باسوادی مردان بیش از زنان است و این تفاوت تقریباً ده درصد است؛ اما در مناطق کسری و ۲۲ بهمن تفاوت درصد باسوادی زنان و مردان کمتر است. با توجه به اهمیت بالای نقش زنان در تربیت و آموزش نسل‌های آینده، ضروری است که در مناطق نابرخوردار برنامه‌های ویژه‌ای برای آموزش دختران و حتی زنان فراهم شود.

مناطق جعفرآباد، چقاکبود، دولت‌آباد، آناهیتا، چمن زین‌العابدین و شهرک صادقیه کمترین جمعیت دارای همسر و مناطق شاطر آباد، باغ ابریشم، چقاگلان و حکمت‌آباد درصد جمعیت دارای همسر آنها بیشتر بوده است. مقایسه مناطق حاشیه‌نشین با مناطق کسری و ۲۲ بهمن نشان می‌دهد که درصد جمعیت دارای همسر در مناطق کسری و ۲۲ بهمن بیشتر بوده است که شاید به دلیل وضعیت اقتصادی بهتر و ازدواج جوانان در این مناطق باشد. ایجاد اشتغال یکی از منطقی‌ترین و کاراترین راه‌های افزایش میل به تشکیل خانواده است که در این مناطق نسبت آن بسیار پایین است. آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی برخی از این مناطق (مانند تن‌فروشی و ...) پیامدهای این وضعیت‌اند.

از نظر مهاجرپذیری در کل شهر مهاجرت وجود دارد، ولی سهم دولت‌آباد (۴۷۷ در هزار) و شاطرآباد (۴۶۴ در هزار) بسیار بالاست و در مناطقی مانند آناهیتا و باغ ابریشم بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ در هزار و بقیه مناطق مانند چمن زین‌العابدین، جعفرآباد و چقاکبود نیز میزان مهاجرپذیری کمتر (حدود ۱۰۰ در هزار) بوده است. مهاجرپذیری ۲۲ بهمن و کسری به ترتیب ۱۳۲ و ۱۳۷ در هزار بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که در سال‌های آینده با توجه به مهاجرپذیری زیاد و مهاجرفرستی اندک دولت‌آباد و شاطرآباد، احتمال افزایش جمعیت همچنان بالاست. همچنین باید این نکته را در نظر داشت که بین مهاجرپذیری در مناطق محروم و مناطق مرفه تفاوتی کیفی نیز وجود دارد؛ مهاجران از روستا به شهر یا از مناطق مسأله‌دارتر عموماً به مناطقی مانند دولت‌آباد و شاطرآباد می‌روند، در حالی که مهاجران به مناطقی مانند ۲۲ بهمن و کسری عمدتاً گروه‌هایی هستند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب برخوردارند و با ورود به این مناطق سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی خود را نیز به همراه می‌آورند.

دلیل عمده مهاجرت عوامل اقتصادی بوده است؛ با این حال متغیرهای اجتماعی و فرهنگی نیز در روند مهاجرت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. برای مثال بیشتر مهاجرت‌ها به صورت خانوادگی صورت گرفته است. مهاجران معمولاً در مقصد خویشاوندانی داشته‌اند؛ آنها از

لحاظ زبانی و مذهبی به محله همسان با خود مهاجرت کرده‌اند؛ مهاجران به دولت‌آباد عمدتاً از غرب کرمانشاه، سنی و سورانی، مهاجران به جعفرآباد عمدتاً از جنوب شرقی دورود و فرامان، لک و شیعه، مهاجران به کولی‌آباد عمدتاً از جنوب و اهل حق هستند؛ بنابراین تصور می‌رود که در آینده، این اجتماع‌های مهاجر با توجه به ویژگی‌های جمعیتی تعادل نیروهای اجتماعی در شهر را به‌گونه‌ای متفاوت از امروز رقم بزنند.

محلات اسکان غیررسمی عمدتاً در زمینه وقوع جرم، دست‌کم از نظر آماری، بر خلاف تصور افکار عمومی، وضع چندان نامساعدی ندارند. هر چند، این موضوع از نظر جرم‌های مربوط به مواد مخدر برعکس است. در واقع در زمینه مواد مخدر، چه از لحاظ مجرمان و چه خود جرم، مناطق اسکان غیررسمی (به‌ویژه جعفرآباد، مسکن، باغ ابریشم، چمن و مسیر نفت (کولی‌آباد)، کیانشهر، آریاشهر و نیز اخیراً مرکز شهر) در صدر قرار دارند. در موارد غیر از مواد مخدر، تصور میزان امنیت زندگی در این محلات برای ساکنان آن‌ها با آن‌چه ساکنان محلات دیگر، از جمله محلات برخوردارتر و مرفه‌تر درباره آن‌ها در سر دارند متفاوت است؛ ارزیابی ساکنان از امنیت عموماً بالاتر است.

۵- نتیجه‌گیری

پدیده اسکان غیررسمی در کرمانشاه حاصل دست‌کم شش دهه دستکاری آگاهانه زیستگاه انسانی از سوی مسؤولان و نیز رخدادها و فعالیت‌های ناخواسته و تحمیلی انسانی و طبیعی است. این وضعیت دو پیامد مهم دارد: نخست، همه افراد در مقام اعضای عادی جامعه و اعضای دارای مسؤولیت رسمی در قبال حل مشکلات ناشی از وجود چنین فضاهایی مسؤول هستند. نباید تصور کرد که پرداختن به مسأله این بافت‌ها همواره و تماماً بر عهده یک نهاد یا سازمان است؛ بنابراین همه نهادهای مرتبط باید همکاری داشته باشند. دوم، حل مشکلات پدیده‌ای با این قدمت نیازمند زمانی دست‌کم برابر با مدتی است که وضعیت را بدین‌جا رسانده است؛ بنابراین دست‌یازیدن به اقدامات تهاجمی و ناگهانی مانند تخریب بافت‌ها به‌ویژه در شرایط شهر کرمانشاه غیرمنطقی و بی‌فایده به نظر می‌رسد.

سکونت‌گاه‌های غیررسمی دارای شیوه زیست، سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و سیاسی خاص خود هستند؛ بنابراین بهتر است این ویژگی‌های را به مثابه نوعی شیوه بقا، تلاشی برای زنده ماندن در کلان‌شهرها نگرست و نه به‌مثابه ویروس زندگی سعادت‌مند شهرنشینان مرفه. نحوه تعامل سایر شهروندان و مسؤولان با این فرهنگ‌ها باید مبتنی بر

پذیرش اخلاقی آنها و نه تخاصم و تحقیر باشد. هر چند این امر سخت و عملاً دشوار است، اما سنگربندی فقیر و غنی در نهایت به نفع کلیت شهر نیست؛ ضمن این که باعث ایجاد اشکالی از عقده‌های روانی می‌شود که در آینده نه چندان دور انسجام و همبستگی جامعه را با خطر مواجه می‌کند. به‌ویژه مسؤولان و برنامه‌ریزان شهری باید نظارت و رسیدگی همیشگی بر این محلات را مضاعف کنند. باید قدرشناس آنها باشند و در فاصله نیازشان به مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز به امور آنها رسیدگی کنند و نه فقط در هنگام انتخابات. با توجه به آنچه بررسی شد می‌توان مواردی را به‌عنوان پیشنهاد ویژه این مطالعه فهرست کرد:

عمرانی و اقتصادی: افزایش دخالت‌های کالبدی در سطح محله برای ارتقای کمی کیفی محیط؛ ایجاد خدمات و کاربری‌های سبز، مراکز اصلی و فرعی در سطح محله، ایجاد تنوع و جذابیت در محیط؛ ارتقای خدمات شهری (آب، برق، گاز و فاضلاب)؛ توانمندسازی محلات سکونت غیررسمی و تلاش برای کاستن از نابرابری.

اجتماعی و فرهنگی: دوری جستن از نگاه تحقیرآمیز و فرادستانه محققان و برنامه‌ریزان در پژوهش و برنامه‌ریزی؛ فراهم کردن امکاناتی برای آگاهی‌بخشی و بازنمایی این محلات در رسانه‌های رسمی به‌منظور ایجاد حس تعلق اجتماعی به بدنه اصلی شهر؛ اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در زمینه‌های مورد نیاز (مانند نزاع و درگیری و اعتیاد) و نقد کردن فرهنگ بومی فقدان مدارا و تمایل آنی به درگیری فیزیکی؛ تلاش برای افزایش انگیزه‌ی ساکنان برای تداوم سکونت و تقویت وجوه بالقوه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله برای برنامه‌ریزی مطلوب و بهره‌مندی از ظرفیت‌های سرمایه‌ی اجتماعی در محلات؛ ایجاد ارتباط بیشتر بین مردم و نهادهای مداخله‌گر از طریق ایجاد گروه‌های رابط ویژه هر منطقه (مانند روابط مشورتی با شورایی‌های محله) و حمایت از نهادهای موجود؛ افزایش امکانات آموزشی و ترغیب به سوادآموزی به‌ویژه برای دختران.

پژوهشی و سیاستی: بازاندیشی در سیاست‌های گذشته به‌ویژه در موارد عمده‌تاً ناموفق؛ کمک گرفتن از افراد تحصیل‌کرده یا مطلع ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی برای انجام پژوهش‌های میدانی و مشارکت دادن آنها در کارگروه‌ها؛ در نظر گرفتن مؤلفه‌های غیرکالبدی مانند ساختار اجتماعی، تعاملات و مشارکت‌کنندگان در طرح‌ها و برنامه‌ها؛ انجام تحقیقات دقیق، جدی و گسترده درباره این بافت‌ها، تقویت و اصلاح بانک‌های اطلاعاتی و سامانه جمع‌آوری اطلاعات از این بافت‌ها و به‌روز کردن آنها؛ همکاری نزدیک همه سازمان‌های

مربوطه با گروه‌های تحقیقاتی؛ ارائه یافته‌ها به سازمان‌هایی مانند شهرداری و تقاضای مداخله دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مجوز ساخت‌وساز و تراکم و ... به‌ویژه در بافت‌های مسأله‌دار؛ اختصاص دبیرخانه یا اتاق دائمی برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی در یکی از ارگان‌های مرتبط (مثل استانداری، فرمانداری، شهرداری و ...).

منابع

- ابادری، یوسف و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱)، «فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار»، نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۳: ۹-۳۸.
- احسن، مجید و نیرومند، مصطفی (۱۳۵۲)، *حاشیه‌نشینان همدان و کرمانشاه*، موسسه مطالعات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان طرح پژوهشی ملی.
- الماسی، مجتبی (۱۳۸۸)، *بررسی ارتباط میان حاشیه‌نشینی و سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص داخلی در شهر کرمانشاه*، طرح پژوهشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- ایراندوست، کیومرث و صرافی، مظفر (۱۳۸۶)، «یاس و امید در سکونت‌گاه‌های غیررسمی: نمونه موردی شهر کرمانشاه»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۶: ۲۰۱-۲۲۲.
- ایسپا (۱۳۸۰)، *بررسی میزان احساس امنیت در بین شهروندان کرمانشاهی*، نظرسنجی، مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا).
- آبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶: ایران و بین‌النهرین*، ترجمه، علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بیات، آصف (۱۳۷۷)، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*، ترجمه، سید اسداله نبوی، تهران: شیرازه.
- تقوایی، مسعود و صفراآبادی، اعظم (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی در بافت‌های شهری با استفاده از مدل AHP (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، *فصلنامه مطالعات شهری*، ۲(۲): ۱-۳۴.
- جلیلی، حبیب‌اله (۱۳۵۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر جرم در استان کرمانشاهان*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- جهاد دانشگاهی (۱۳۸۴)، *ارزیابی اجتماعی اثربخشی برنامه بهسازی شهری در شهر کرمانشاه*، طرح پژوهشی، جهاد دانشگاهی، کرمانشاه.
- حامد، بیتا (۱۳۹۲)، *زمینه‌های جلب مشارکت ساکنان مناطق اسکان غیررسمی شهر کرمانشاه (کولی‌آباد و جعفرآباد) در برقراری نظم و امنیت اجتماعی*، طرح پژوهشی، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه.
- حسامیان، فرخ (۱۳۷۷)، *شهرنشینی مرحله گذار، در شهرنشینی در ایران*، تهران: آگاه.
- دل‌انگیزان، سهراب (۱۳۸۹)، *تحلیل وضعیت عمومی جمعیتی، اشتغال و بیکاری (مورد کاوی سکونت‌گاه‌های غیررسمی جعفرآباد، دولت‌آباد، شاطرآباد و کولی‌آباد)*، گزارش پژوهشی، طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن.
- رستمی، مسلم و شاعلی، جعفر (۱۳۸۸)، «تحلیل توزیع خدمات شهری در شهر کرمانشاه»، *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی*، ۴(۹): ۲۷-۵۲.

- روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر و زنگنه، علیرضا (۱۳۹۱)، «الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۸۵-۱۳۷۵»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۳(۱۲): ۱۷-۴۰.
- زهره‌وندی، سجاد (۱۳۸۶)، باز زنده‌سازی بافت تاریخی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۱)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران: سپا.
- عالی‌پور، امین (۱۳۸۶)، تعیین عوامل مؤثر بر توزیع فضایی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شهر کرمانشاه، مقایسه دو نمونه موردی: دره دراز و شهرک آناهیتا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۰)، تولید اجتماعی فضای شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)، استاد راهنما: یوسف اباذری، رساله دکترا، دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، سیاوش و زارع، معصومه (۱۳۹۱)، «برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، ۲: ۲۳۱-۲۵۸.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۹۲)، بررسی ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی اهالی محله حاشیه‌نشین دره‌دراز کرمانشاه و رابطه این عوامل با آسیب‌های اجتماعی، طرح پژوهشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- کریمی، جلیل (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی و جغرافیای جرم در شهر کرمانشاه، طرح پژوهشی، اداره کل زندان‌ها، کرمانشاه.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱)، «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین: نمونه مطالعه: شهر کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۳): ۲۱-۶۴.
- مهندسان مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۲)، مطالعات امکان‌سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر کرمانشاه، گزارش پژوهشی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۱۳۳۵)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲)، حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیسیت شهری (مورد مطالعه جعفرآباد کرمانشاه)، در حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها-روش‌ها-مطالعات موردی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲)، مسائل زنان حاشیه‌نشین و مدیریت شهری (مطالعه تطبیقی حاشیه‌های همدان، جعفرآباد کرمانشاه، شهرک سعدی شیراز، بان ببرز ایلام)، در حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها-روش‌ها-مطالعات موردی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- نیازی، کیوان (۱۳۸۷)، توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، جعفرآباد کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تهران.
- واعظزاده، ساجده (۱۳۹۲)، تحلیل وضعیت خشونت جوانان ۲۹-۱۵ ساله محلات چهارگانه شهر کرمانشاه، طرح پژوهشی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه.

هزارجریبی، جعفر؛ امین‌صارمی، نوذر و یوسفوندی، فریبرز (۱۳۸۸). «اثر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرایم اجتماعی شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۸۶»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۱: ۷۳-۸۶.

مشاور مرجان (۱۳۵۲)، *طرح جامع شهر کرمانشاه*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

مشهدی‌زاده، ناصر (۱۳۷۳)، *تحلیلی از وضعیت برنامه‌ریزی در ایران*، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

Clark, J. and Clark, B. (1969), *Kermanshah: A provincial city in Iran*, Durham University.